

جوان، خانواده و جامعه

سخن از «جوان» و ارائه بینش‌ها و شیوه‌های ارتباط با نسل نو، نیازمند بازشناسی روحیات و رفتار جوانان است و در جهانی که سرعت تغییر مبادلات و معادلات فکری - فرهنگی در چهار سوی آن به گونه‌ای است که ثانیه‌ها، نقشی تأثیرگذار در رفتار و مناسبات اخلاقی - اجتماعی نسل جوان دارد، این وظیفه، کاری دشوار و پیچیده است، زیرا آنان هر نوع ارتباطی را پاسخ نمی‌دهند و تنها به کنش‌هایی، واکنش‌نشان می‌دهند که به خوبی اثبات‌کننده موفقیت به درک جلوه‌های شخصیتی و ابعاد روحی و جسمی آنان شده است.

جلوه‌های شخصی و شخصیتی جوان

جوان بسان دایره‌المعارفی زیبا، گوناگون و دلرباست که از پنج جلوه تشکیل شده است:

1- جلوه جسمانی

توجه به انرژی متراکم در بدن، شور و نشاط جسمانی، چابکی در حرکات، پرداختن به وضع ظاهری و قیافه، جلوه‌گری با تمام وجود در صحنه‌های رقابت

ورزشی، هنری و علمی، دقت در مقدار سن، چگونگی اندام، زیبایی و زشتی چهره و پوست و دستیابی به فضایی مناسب جهت ارائه شخصیت خود و جلب توجه همگان در صحنه‌های مختلف، نمادهای این جلوه در دوران جوانی است.

2- جلوه روحی - عاطفی

امید و آرزو، یأس و ناکامی، شور و اشتیاق چشمگیر، سستی و بی‌تفاوتی، آرمان‌خواهی و عدالت‌طلبی، سردرگمی روحی و سرخوردگی روانی، نمونه‌های متفاوت یا متناقض روحی - عاطفی در ایام جوانی است.

در این فصل از کتاب وجود جوان، پدیده‌ای به نام «ارزش»، بایدها و نبایدهای زندگی را ترسیم می‌کند و نوعی «بیداری دینی» راه ارتباط با آموزه‌های آسمانی را هموار می‌سازد؛ هر گاه پدران و مادران، نزدیکان و اطرافیان، این راه را هموار، زیبا و دلنشین جلوه‌گر سازند و پایه‌های باور و بینش جوان خویش را اصولی بنا نهند، گامی بس بزرگ در نزدیک کردن آسمان به زندگی زمینی عزیز خویش برداشته‌اند و افزون بر چنین اثر معنوی، هرگز او را یگانه و تنها در غوغای حوادث رها نکرده‌اند، بلکه جوان خویش را انسانی به وسعت هستی و به عظمت ابدیت تفسیر کرده‌اند. آثار این جلوه وجودی جوان، پرسش‌های بی‌پایان او نسبت به آفریدگار جهان، فلسفه زندگی،

هدف آفرینش و ... است که در پی این سؤالات، جایگاه حقیقی و واقعی جوان در بی‌کران هستی نمایان می‌شود و او خود، سالیان بسیار آینده خویش را می‌پیماید.

افزون بر این پدیده‌ها، ابعاد گوناگون عاطفی به گونه‌ای پیدا و ناپیدا؛ آشنا و ناآشنا جلوه‌گر می‌شود که از آن میان به حساسیت‌ها، به خود گرفتن‌ها، زودرنجی‌ها و نازک‌دلی‌ها از یک سو و خواهش‌های متضاد و سرعت تأثیرپذیری فراوان می‌توان اشاره کرد.

3- جلوه اجتماعی

نسل نو در گفتار و رفتار اجتماعی خویش، دوستدار تعلقات اجتماعی، شیفته حضور در گروه‌های خارج از خانواده و مدرسه و علاقه‌مند به عضویت در سازمان‌های گوناگون برای ابراز وجود و کسب هویت و شخصیت است تا بدین صورت آرزوهای خود را ترسیم یافته دیده و آرمان‌های خویش را دست‌یافتنی احساس کند. از این رو همیشه و همه جا در پی یافتن جایگاهی در جامعه و تثبیت شخصیت مستقل - به دور از وابستگی‌های گوناگون به پدر و مادر و نزدیکان و اقوام - است؛ او دستیابی به شهرت و مقام و موقعیت چشمگیری در محله، شهر، کشور و در گامی فراتر، جهان را یگانه راه دستیابی به خوشبختی و شادکامی ماندگار می‌داند. بدین خاطر نقطه آغاز را «تأثیرپذیری فراوان از دیگران» قرار می‌دهد.

دهد و با «دیگرخواهی»، «الگویابی»، «قهرمان دوستی» و حتی «قهرمان پرستی»، این احساس خویش را جلوه گر می سازد تا شخصیتی پرگستر، برای خود پدید آورد.

4- جلوه تحصیلی

میزان هوش و استعداد، انگیزه تحصیل، همت والا برای فردای علمی زندگی، فراهم بودن محیط مناسب تحصیلی، امکانات لازم مالی خانواده برای ادامه تحصیل، پی آمدهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی خانواده، در زمینه پیشرفت علمی، تأثیر برخورد مربیان، به کارگیری استعدادهای نهفته و دستیابی به ظرفیت لازم در راه تکامل، از جمله جلوه های تحصیلی در نسل جوان است.

در این میان، افتخارات گوناگون نسبت به موقعیت های علمی و عنوان های تحصیلی در پدر، مادر، برادران، خواهران و تمامی

اطرافیان تأثیری بسیار در این جلوه از زندگانی یک جوان دارد و هر یک از جوانان را به سوی آرمان هایی والا هدایت می کند.

5- جلوه خانوادگی

تأثیر ژرف و بنیادین این بُعد از زندگانی در شخصیت انسان، به گونه ای است که در دیگر جلوه ها

دگرگونی ایجاد می کند و جوان را به هنگام ناکامی در دیگر ابعاد جسمی، روحی - عاطفی، اجتماعی و تحصیلی مدد می رساند.

در این جلوه، خُلق و خوی پدر و مادر، شناخت و بینش آنان نسبت به جامعه و جوان، باورهای دینی و پای بندی مذهبی هر یک به آموزه های آسمانی در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی، تأثیری بسزا و سرنوشت ساز در روحیه و رفتار جوان خواهد داشت.

بی گمان ارزش های خویشاوندی و خانوادگی همچون افتخارات پدران و اجداد، آبروی اجتماعی آنان و عظمت شخصیت آنها در خدمات شایسته به مردم، زمینه ساز احترام فرد در بین همکلاسان، معلمان، مربیان و افراد کوچک و بازار می شود و به طور ناخودآگاه عامل مؤثر تربیتی در انتخاب همراه و همدل، گرایش، پوشش و گویش مناسب خواهد بود.

همان گونه که محیط جغرافیایی و وابستگی فرهنگی نسبت به منطقه ای خاص به طور محسوس و نامحسوس در ایجاد عزّت یا ذلّت در دیدگان اطرافیان نسبت به شخصیت یک جوان مؤثر است و گاه می تواند حرکت آفرین و تأثیرگذار باشد.

بنیان های تأثیرگذار در شخصیت جوان

مجموع عوامل، نیروها و جریان هایی که به صورت بنیادین نقشی جهت ساز و هدایت آفرین در شخصیت جوان ایفا می کند (به گونه ای که:

اولاً، آشنایی با هر یک، پاسخ بسیاری از ابهامات و پرسش های پیدا و ناپیدای هر یک از ماست.

ثانیاً، جوان و اطرافیان او را به تفکر و تدبّری اساسی نسبت به گذشته، حال و آینده فرا می خواند.

ثالثاً، همگان را به نوسازی و بازسازی شیوه ها و روش های ناموفق دعوت می کند.

رابعاً، یکایک کاستی های جلوه های شخصی و شخصیتی جوان را در ناکامی نسبت به دستیابی به نقطه آرمانی اصلاح و ترمیم می نماید)، عبارتند از:

1- فطرت (سرشت خدایی و تمایلات ذاتی)

«فطرت»، گنجینه ای از ذخایر زرّین خداوندی در وجود انسان است که به گونه ای خودجوش و ذاتی، بر روند زندگی و نوع انتخاب انسان اثر می گذارد؛ «جهت دهی» خاصی می آفریند و فرد را بی هیچ آموزش ظاهری به سرچشمه نیکی ها و خوبی ها رهنمون می سازد.

گرایش به خیر اخلاقی، حقیقت جویی، کمال یابی، زیبایی گرایی، ابتکار و خلاقیت و نیز عشق و پرستش

از جلوه های ناب فطرت است که در عرصه های مختلف زندگی نمود و بروز می یابد⁽⁶⁾.

پروردگار حکیم، سرشت پاک و فطرت تابناک انسان را باعث و بنیان رویکرد او به

«دین حنیف» یعنی دین خالص توحیدی - به دور از غبارهای جاهلیت و عصبیت - می داند و این آفرینش جهت آفرین را تغییرناپذیر معرفی می کند که ثابت و راسخ خواهد بود⁽⁷⁾.

روزی از امام صادق (ع) در باره نهاد الهی و ملکوتی یعنی فطرت مطرح شده در سخن خداوند:

«فطرة الله التي فطر الناس عليها؛

همان فطرتی که خداوند مردم را با آن سرشته است.» سؤال شد، حضرت فرمود:

«هی الاسلام فطرهم حين أخذ ميثاقهم على التوحيد قال الست برّبكم و فيه المؤمن و الكافر»⁽⁸⁾

آن [فطرت] اسلام [یعنی تسلیم در برابر حق] است که [پروردگار] انسان ها را به هنگام گرفتن میثاق بر توحید [بر قلب و نهاد وجودی آنان] اقرار داد، گفت: آیا من پروردگار شما نیستم. در حالی که در آن [عالم] مؤمن و کافر [هر دو بودند و اقرار به ربوبیت خداوند کردند].

چنین شناخت روشننگری سبب گردیده که رسول گرامی اسلام (ص) رسالت سنگین و دشوار پدران و مادران را در حفظ چنین سرشت عرشی و فطرت الهی کرده و چنین هشدار می دهد:

«كل مولود يولد على الفطرة حتى يكون ابواه يهودانه و ينصرانه»⁽⁹⁾

هر طفلی که متولد می شود بر فطرت [اسلام و خداخواهی به خداجویی است] مگر آنکه پدر و مادر او وی را یهودی و نصرانی نمایند.»

2- خانواده (جلوه های ژنتیکی و موروثی)

خانواده به منزله دومین نیروی تأثیرگذار، نقشی بس بنیادین در پی ریزی شخصیت انسان دارد و از دو جهت آثار خود را نمایان می سازد؛

الف - جنبه ها و جلوه های ژنتیکی (موروثی)

ب - اجرای طرح ها، رویکردها و رفتارهایی که اولین محیط تربیتی فرد را معنا می بخشد.

در نگاه پیشوایان معصوم - علیهم السلام - گستره تأثیر عرق یا ژن به گونه ای است که زمان تکوین و تربیت وجود فرزند، از پیش از ازدواج یعنی به هنگام انتخاب همسر ترسیم شده است که آثار خلقی (در جلوه های ظاهری و جسمانی) و خلقی (در ابعاد روحی و معنوی و اخلاقی) خاصی ایجاد می کند.

امام امیرالمؤمنین (ع) رو به پیروان پاک سرشت خود کرد و فرمود:

«تزوجوا في الحجز الصالح فان العرق دساس»⁽¹⁰⁾

همسر انتخاب کنید در خانه های صالح و نیکوکار که همانا ژن و عرق [همسر که حاصل خصوصیات گوناگون اوست] به طور قهری و با توان بسیار منتقل می شود.»

3- جامعه (تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی)

محیط زندگی والدین، بازتاب روشنی از باورها و بینش های فرهنگی نسل بالغ است و

قلمروهای اجتماعی نیز به نوبه خود، رویکردها و بینش های برگرفته از پشتوانه فرهنگ و تمدن را منعکس می کنند.

جامعه در معنای وسیع آن شامل دو نوع تربیت رسمی، یعنی نظام تعلیم و تربیت موجود در مدارس و دانشگاهها و تربیت غیر رسمی، شامل نهادها، مراکز اجتماعی - فرهنگی و رسانه های گروهی است.

به یقین نهاد جامعه در مواردی به تقویت نهاد خانواده می پردازد و در پاره ای موارد به معارضه با آن برمی خیزد؛ زمانی که میان ارزش های جامعه و خانواده همسویی باشد، تحقق آرمان ها و اهداف تربیتی به

راحتی انجام می پذیرد، اما آن هنگام که جدایی و تضاد میان ارزش های حاکم بین جامعه و

خانواده به عنوان دو مؤلفه تربیتی مشاهده شود، افق های روشنی در عرصه تربیت و پرورش ارزش آفرین دیده نمی شود و یکایک شیوه های تعلیم و تربیت با سنگلاخ ها یا بن بست های متفاوت روبه رو می شود⁽¹¹⁾.

خانواده، جوان؛ بینش ها و شیوه های ارتباط

آشنایی با خانواده ها و آگاهی از سخنان پدران و مادران در باره چگونگی ارتباط آنان با نوجوانان و جوانان خود، بیانگر حقیقتی تلخ است که بخش وسیعی از والدین نسبت به همدلی، همراهی و یگانگی با فرزند خویش احساس ناتوانی و سردرگمی می کنند؛ پدران و مادرانی هم که خود از تحصیل کردگان و انسان های برجسته و فرهیخته اجتماع محسوب می شوند، در این وادی شیوه های خود را ناکارآمد و بی جواب می یابند و گاه احساس خستگی و افسردگی می نمایند!!

...نوشتاری که در دست دارید ره آورد نشست ها و گفتگوهای بسیار با خواسته ها و انتظارات پدران و مادران از جوانان و مطالبات جوانان از خانواده های خود است که به موضوعات نو، بروز و ضروری همچون جوانان و آزادی، خودشناسی، سلامت روان، کنکور، مشاوره، مدیریت زمان، موفقیت و کامیابی، ارتباطات

اجتماعی، حیات جنسی، مقبولیت اجتماعی، هویت، هدف زندگی و ... می پردازد.

در سلسله مقالات آینده، نخست موضوع مورد بحث تشریح و تبیین می شود، سپس شیوه ها و راهکارهای دستیابی به آن مطرح می گردد، آنگاه رسالت خانواده ها در ایجاد بسترها و زمینه های تحقق این موضوعات به گونه ای جامع و کامل و به دور از افراط و تفریط و آثار سوء اجتماعی و فرهنگی بیان می شود.

بی گمان اظهار نظرها، بیان پیشنهادها و انتقادات، ارائه تجربیات ارزشمند و راهکارهای انتخابی از سوی شما، گامی مهم در بارور ساختن این مجموعه خواهد بود و ما را در دستیابی بهتر و کامل تر به خواسته ها و برطرف کردن ابهام های مخاطبان، راهنمایی شایانی خواهد کرد.

مرکز فرهنگی و مشاوره آموزشکده خاتم الانبیاء(ص)
زرند

